

از عوام‌زدگی تا عوام‌فریبی

علیرضا علوی‌تبار

شهروند امروز، ش ۲۴، ۸۷/۲/۱۸

چکیده: برای روشن‌فکران و سیاست‌مداران تنظیم رابطه با عام مردم و پیدا کردن مطلوب‌ترین شکل رابطه با آنها از اهمیت برخوردار است برای روشن‌فکران از این جهت که مردم را از سنت‌های دست و پاگیر جدا کرده و آنها را از مناسبات مسخ‌کنند و اجتماعی سازند و برای سیاست‌مداران از این جهت که از یک سو به حمایت مردم نیاز دارند و از سوی دیگر نباید جلب مردم از طریق دادن وعده‌های بی‌پایان باشد؛ زیرا در بلندمدت به صورت ابزاری علیه خود آنان در می‌آید. این در حالی است که سیاست‌مداران مردم‌انگیز (پوپولیست) قبل از به قدرت رسیدن و در مراحل اولیه تثبیت آن تجسم کامل عوام‌زدگی‌اند و می‌کوشند تا در سخن گفتن از واژه‌ها و مفاهیم عامیان بهره گیرند و منشأ مشکلات مردم را در خارج از آنها معرفی کنند.

سیاست‌مداران از یک سو به حمایت مردم نیاز دارند و حتی در اجبارآمیزترین حکومت‌ها نیز جلب نظر مردم و کسب پشتیبانی آنها از اهمیت برخوردار است. اما از سوی دیگر سیاست‌مداران به تجربه دریافته‌اند که جلب مردم از طریق دادن وعده‌های بی‌پایان اگر چه در کوتاه مدت کارساز و نتیجه‌بخش است، اما در میان مدت و بلندمدت به صورت ابزاری علیه خود آنها عمل می‌کند. بالا بردن توقعات مردم در دنیایی که محدودیت از ویژگی‌های بنیادین آن است، دیر یا زود منجر به خود افشاگری می‌شود. قابل تأمل‌ترین رابطه میان عوام و سیاست‌مداران را در عملکرد سیاست‌مداران مردم‌انگیز (پوپولیست) می‌توان دید.

مردم‌انگیزان قبل از به قدرت رسیدن و در مراحل اولیه تثبیت قدرت تجسم کامل «عوام‌زدگی» اند. می‌کوشند تا مانند توده مردم لباس بپوشند، در سخن گفتن از واژه‌ها و مفاهیم عامیانه بهره می‌گیرند، منشأ مشکلات مردم را در خارج از آنها معرفی کرده و سرآمدان را متهم می‌کنند، راه‌حل‌های یک شبه و بدون هزینه برای مشکلات مردم ارائه می‌کنند، با ساده‌سازی دنیای پیچیده عوام را نسبت به تحلیل‌های ساده‌انگارانه و معمولاً توأم با نظریه توطئه خود مطمئن می‌سازند.

اما اینها «عوام‌زدگان» همین که به قدرت رسیدند و خود را تثبیت شده انگاشتند به «عوام فریبان» تمام عیاری تبدیل می‌شوند. زبان عامیانه خود را حفظ می‌کنند، اما دائماً متکی بودن خود به ساعت‌ها کار کارشناسی و مطالعات عمیق را به رخ مردم می‌کشند. بسته به شرایط، دشمنان تازه‌ای تعریف می‌کنند و می‌کوشند تا با انداختن بار مشکلات مردم بر دوش آنها مردم را علیه آنها بسیج کرده و جهت دهند. عریان‌ترین شکل دروغ‌گویی را می‌توان در میان سیاست‌مداران مردم‌انگیز یافت؛ دروغ‌هایی آن قدر بزرگ که گاه خودشان هم باورش می‌کنند!

تکلیف سیاست‌مداران مردم‌انگیز روشن است! آنها عوام‌زدگی و عوام‌فریبی می‌کنند تا عوام را جلب کنند و با خود همراه سازند. اما روشن‌فکران وضعیتی پیچیده و دشوار دارند. از یک سو کار آنها نقد کردن است! این نقد هم تنها متوجه حکومت نیست. مردم هم باید نقد شوند! نه تنها عملکرد مردم بلکه بی‌عملی آنها نیز باید مورد نقد قرار گیرد.

زبان روشن‌فکران زبانی دشوار برای عامه مردم است و همیشه این امکان وجود دارد که مردم خسته شده و دیگر به سخنان آنها گوش نکنند. تورم را بر عهده تعدادی توطئه‌گر پول دوست انداختن برای عامه مردم قابل فهم‌تر از تحلیل آن بر مبنای رشد نقدینگی سریع‌تر از رشد تولید و مبادله است. از نظر روشن‌فکر تحلیل دوم صحیح است، اما کدام یک راحت‌تر مورد قبول مردم عامی واقع شده و پذیرفته می‌شود؟ لابد داستان نوشتن مار و نقاشی مار را به خاطر می‌آورید! هنگامی که روشن‌فکران به رسانه‌های همگانی دسترسی ندارند و همه چیز در اختیار سیاست‌مدار مردم‌انگیز است، موقعیت باز هم پیچیده‌تر و دشوارتر می‌شود.

روشن‌فکران حق ندارد و نباید عوام‌زده و عوام‌فریب شوند و در ضمن نمی‌خواهند مردم را به سیاهی لشکر عوام‌فریبان تبدیل کنند. پس چه باید بکنند؟ به نظر می‌رسد تنها راه حل قابل قبول ایجاد «اعتماد» است. مردم به پزشک اعتماد می‌کنند و حتی آنجا که آنها را از

لذت‌های جاری منع می‌کند یا داروی تلخ و جراحی دردناک تجویز می‌کند، به سخنش گوش می‌دهند. چرا که به او اعتماد کرده‌اند.

تجربه نشان می‌دهد که مردم کشور ما برای اعتماد کردن به روشن‌فکران به دنبال برخی نشانه‌ها می‌گردند و آنها را اولویت می‌دهند. یکی از این نشانه‌ها پاکیزگی «مالی» و «جنسی» است. علت این که حکومت‌ها همیشه روشن‌فکران منتقد را به خلاف‌های مالی و جنسی متهم می‌کنند، مهم بودن این عناصر در نگاه مردم عادی است. تا اطلاع ثانوی و وقوع تحولات آتی، روشن‌فکران حتی از «ترک اولی» در این زمینه‌ها نیز باید خودداری کنند. یک نشانه دیگر پابندی به اصول است. روشن‌فکری مورد اعتماد مردم قرار می‌گیرد که نشان دهد برای خود خط قرمزی دارد و این خط قرمز را زیر پا نمی‌گذارد. به خصوص هر چقدر یک روشن‌فکر در دفاع از اصول مورد قبول خویش هزینه می‌پردازد، اعتماد عمومی بیشتری را جلب می‌کند.

نکته اینجاست که گاه حملات روشن‌فکران به یکدیگر بیشترین زمینه را برای نفی این اعتماد فراهم می‌آورد.

● اشاره

محسن علیزاده

هر چند که آقای علوی تبار به مسأله مهم ارتباط روشن‌فکران و سیاست‌مداران با مردم اشاره کرده است، ولی در تحلیل این مطلب و تطبیق آن با مسائل روز جامعه، نقدهایی بر آن وارد است که به شرح ذیل ارائه می‌شود:

۱. درباره این مطلب که «بالا بردن توقعات مردم در دنیایی که محدودیت از ویژگی‌های بنیادی آن است دیر یا زود منجر به خود افشاگری می‌شود» باید گفت که اگر توقعات خواسته‌های مردم مطالبات بر حق باشند، هیچ ایرادی ندارد؛ بلکه به جاست که حتی دولت‌مردان به تبیین این حقوق بپردازند و خود مردم را پی گیر خواسته‌هایشان قرار دهند و هر چند که محدودیت ویژگی عالم مادی است، اما منوط به دنیای امروز نمی‌باشد. علاوه بر این مردم ما به خوبی می‌دانند که تا چه اندازه از مسئولین توقع باید داشته باشند. به همین خاطر همواره از انقلاب تاکنون همراه با آنان بوده‌اند و اگر به قول نویسنده محترم بنا بود این امر به خود افشاگری می‌انجامید تا به حال یقیناً باید ملت مایوس و سرخورده می‌شدند و دست از حمایت خود از انقلاب برمی‌داشتند؛ در حالی که هر روز بر اراده و انسجام آنها در دفاع از انقلاب بیشتر شده، زیرا مراحل بسیار دشواری را به سلامت گذراندند.

۲. این سخن که «همین عوام‌زدگان همین که به قدرت رسیدند و خود را تثبیت شده انگاشتند، به عوام‌فریبان تمام عیاری تبدیل می‌شوند» از این حیث جای تأمل دارد که مفاهیم ارزشمندی همچون ساده‌زیستی و مردمی بودن هم‌طراز با القاب دونی چون عوام‌زدگی و عوام‌فریبی انگاشته شده، زیرا هیچ‌گاه نشانه‌هایی که ایشان برای عوام‌زدگی آورده؛ مانند نحوه پوشش لباس و گفتار را نمی‌توان دلیلی بر عوام‌زدگی یا عوام‌فریبی تلقی نمود. در هر حال اگر منصفانه به تعاملات مردم با دولت‌مردان بنگریم، خواهیم دید که به نظر نمی‌رسد مردم ایران در تشخیص و تمییز عوام‌فریبان با دلسوزانشان ره به اشتباه پیموده باشند.

۳. به نظر می‌رسد آقای علوی تبار از فضای جامعه ایران در حال حاضر، تلقی درستی ندارند؛ زیرا هر روز میزان تحصیل‌کردگان دانشگاهی در جامعه در حال فزونی است. لذا خواه‌ناخواه تحلیل مردم هم بیشتر سمت و سوی علمی به خود می‌گیرد. علاوه بر این که مباحث علمی در ابعاد و مسائل مختلف موجود در سطح رسانه‌ها و مطبوعات هر روز مطرح و به کرسی نقد و ابرام کشیده می‌شود. برای نمونه یکی از دلایل مهم موفقیت طرح سهمیه‌بندی بنزین همین تحلیل‌های علمی و کارشناسی در رسانه‌ها بود که موجب همکاری عمومی در موفقیت این طرح شد که این مسأله و نظایر آن شاهد خوبی در اینجا می‌باشند.

۴. این مطلب که «تورم را بر عهده تعدادی توطئه‌گر پول دوست انداختن برای عامه مردم قابل فهم‌تر از تحلیل آن بر معنای رشد نقدینگی سریع‌تر از رشد تولید و مبادله است» هر چند که ممکن است درست به نظر برسد، ولی نمی‌تواند موجب تغافل مردم از واقعیت‌های موجود در جامعه و وجود مافیاهای اقتصادی باشد؛ به شکلی که الان تمامی کشورها با آن روبه رو هستند. البته مسئولین امر نیز باید به دنبال راهکارهای مناسب برای رفع یا کنترل این پدیده‌های شوم باشند که برنامه‌های خود را در این زمینه در اختیار عموم قرار دهند.

نکته دیگر این که جای تعجب است ایشان خود می‌گویند که روشن‌فکران حق ندارند و نباید عوام‌زده و عوام‌فریب گردند، ولی در خاتمه مطلب خود راهکار اعتماد مردم به روشن‌فکران را به نحوی «عوام‌فریبی» بیان می‌کنند؛ زیرا ابراز می‌دارد که «روشن‌فکران باید حتی از ترک اولی در زمینه‌های مالی و جنسی خودداری کنند» و در واقع این پیشنهاد تشویق روشن‌فکران به فریب دادن عوام با ظاهرسازی است نه این؛ واقعاً از آنها بخواهد که در زمینه‌های مالی و جنسی از خود مراقبت نمایند. افزون بر این کلام ایشان به طور ضمنی اذعان بر این مطلب است که دگراندیشان جامعه ما از سلامت لازم و شایستگی کافی برای هدایت جامعه و اعتماد مردم به آنان برخوردار نیستند. در هر حال سلامت اندیشمندان و مسئولین هر مملکتی در تمام زمینه‌ها موجب اعتماد بیشتر مردم به آنهاست.